

از سوی دیگر روایت نخبه‌گرا و فردمحور از کنش مرزی، نهادهای مرزی را در پرده دارد. نهادهایی در تاریخ ایران بودند که گاه خصیصه مرزی داشتند مثل خاندان‌ها و طبقات اعیان و امنای محلی و وکلا و کلانترها و کدخدایان و از همه مهم‌تر اصناف و حرفه‌ها و مکان‌های علمی و آموزشی و بقیه.

۵- کنشگری مرزی در دو هیأت فردی و نهادی

کنش مرزی هم می‌تواند در هیأت فردی باشد مثل نخبگان اثرگذار در تاریخ معاصر، و هم در هیأت نهادی و ساختارمند به صورت انجمن، حرفه، صنف، حلقه، گروه، جماعات محلی، اجتماعات سیاسی و تصمیم ساز، نهادهای مدنی و نهادهای عام‌المنفعه داوطلبانه.

عملکردهای مرزی در هر یک از دو هیأت فردی و نهادی، منشأ تصمیم‌های مهم و فرصت‌های مدیریتی و لحظه‌های سیاست‌سازی و اعمال حکمرانی و اجتماعی و مدنی می‌شدند. علاوه بر صورت‌های نهادی بیرون دولت که عملکرد مرزی داشتند بخشی از لایه‌های کارشناسی و مدیریتی خود دولت نیز خصوصاً در سطوح پایه و میانی آن، به صورت فضاهای اسفنجی و مفصل‌هایی لیز و لغزنده؛ امکان نفوذ مطالبات جامعه در دولت را فراهم می‌آوردند و کم و بیش خصیصه‌های مرزی داشتند. با افزایش تقسیم کار اجتماعی و تخصصی شدن، قابلیت‌های مرزی حتی در خود لایه‌های کارشناسی و خیرگی و اداری دولت، خواه ناخواه بیشتر می‌شود و به عبارتی دیگر جامعه و عقلانیت ارتباطی و فرهنگی اش تا حدودی از مرزهای دولت به درون آن چکه می‌کند.

در جدول زیر مثال‌هایی از هر دو هیأت فردی و نهادی کنش مرزی ذکر شده است:

مرزی بنامیم و یکی را نامیم. کنش مرزی وجه عملکردی دارد نه اینکه عنوان رسمی کسی برای همیشه باشد. خلیل ملکی ابتدا کنشگر مرزی نبود ولی در بخشی از حیات سیاسی به عملکرد مرزی روی آورد.

عملکرد مرزی خصیصه ظهوری و پدیداری دارد، عالی‌بخانی از ابتدا کنشگر مرزی نبود. علی‌اکبر سیاسی و رهنما و تهرانیان به اقتضای شرایط کنشگر مرزی شدند، میدری و ظریف و همتی و صالحی و سیمایی و هرکس دیگر حسب شرایط بود که کنش مرزی در پیش گرفتند. ممکن است بگویند اینها را نیز که نمی‌گذارند، بلی باید تأسف خورد و بسیار نگران بود اما هزار راه نرفته مرزی در ایران هست، هزار فضای مرزی ناشناخته گشوده می‌شود. حذف کنشگران مرزی قادر به حذف ظرفیت‌های متنوع و بسیط مرزی در این سرزمین نیست. این یک قابلیت تمدنی و فرهنگی و اجتماعی در ایران بود که مدام فضایی میان دولت و جامعه ساخته و گشوده می‌شد و کم و بیش عمل می‌کرد.

روایت نخبه‌گرا از کنشگران مرزی به فهم این نوع کنش مهم در ایران لطمه می‌زند. کنشگران مرزی تنها قائم مقام یا امیرکبیر یا مشیرالدوله یا مستشارالدوله یا امین‌الدوله تا فروغی‌ها نبودند. پشت اینها و با اینها طیفی از صدها کنشگر مرزی در لایه‌های دولت از این سو و لایه‌های جامعه از آن سو کار می‌کردند؛ امثال محمد بدایع‌نگار که کارشناسی در نظام اداری بود تا میرزا شفیق که کلاه‌دوزی در قزوین. با امین‌الدوله، رشیدی بود و همکارانش در مدارس، و با امین‌الضرب نیز بازرگانان ایرانی بود. پشت «کنشگران شناخته شده» روشنفکرانی بودند و روزنامه‌نگاران و تاجران و نویسندگان، دانشمندان، ادبا و شاعران و اهل هنر و دبیران، مستوفیان، مدیران و منشیان، مشاوران، مطبوعه‌چی‌ها و امنای محلی و بقیه.

نوع کنش مرزی	مثال‌ها
کنش مرزی در شکل فردی	فردوسی، ابن مقفع، اعتضادالسلطنه، فروغی‌های پدر و پسر و برادر، امین‌الضرب‌ها، رشیدی، احتشام‌السلطنه، محمد بدایع‌نگار، یحیی دولت‌آبادی، محققان در مراکز پژوهشی، مشاوران، مراجع فکری، امنا، علی اصغر حکمت، اسماعیل مرآت، علی‌اکبر سیاسی، رضازاده شفق، فخرالدین شادمان، احسان نراقی، غلامحسین صدیقی،
کنش مرزی در شکل نهادی	نهاد ریش سفیدی، نهادهای اعیانی، وکلا و کلانترهای شهر و کدخدایان و بیگلر بیگی‌ها در تاریخ ایران، خاندان‌های ایرانی، سنت‌های دبیری و مستوفی‌گری، دیوان رسائل یا استیفا، شورای نجبا، دارالحکمه، دارالفنون و دارالترجمه، دارالتألیف، نامه دانشوران، مهندس خانه، مجلس مصلحت خانه عامه، هیأت صحیبه یا مجلس حفظ الصحه، اتاق تجارت، روزنامه، انجمن معارف، مدرسه سیاسی، دانشگاه، کتابخانه ملی، انجمن‌های شهری و ایالتی، فرهنگستان ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، انجمن باغ فردوس، نظام کارشناسی در سطح فنی آن، مشاغل فکری و علمی و تخصصی، گزارش‌های اجتماعی، اندیشکده‌ها، خانه‌ها و کانون‌ها (مثل خانه سینما و کانون وکلا و....) تشکل‌های حرفه‌ای و انجمن‌های تخصصی، تشکل‌های صنفی، نهادهای محلی، سازمان‌های مدنی، سازمان‌های عام‌المنفعه، صندوق‌ها، نظام پزشکی، نظام مهندسی،

مأخذ: برگرفته از کتاب کنشگران مرزی